

آغاز پیروزی های بزرگ اسکندر در ایران

۲۶ مهر ۱۳۹۴ ساعت ۲۲:۲۴

این جنگ که در جلگه شرق موصل امروز و نه چندان به دور از شهر اربیل (آربلا - کردستان عراق امروز) و در کنار دو - سه تل (تپه) به نام تل های گومل روی داده بود سومین جنگ اسکندر با ایران بود که از ۳۳۴ پیش از میلاد با ورود او و نیروهایش به قلمرو ایران و نبرد گرانیکوس (در نزدیکی داردانل ترکیه امروز) آغاز شده بود.

یکم اکتبر سال ۳۳۱ پیش از میلاد (نهم مهرماه)، ارتش ۹۰ تا ۱۰۰ هزار نفری ایران از جمله ۴۰ هزار سوار، ۲۰۰ ارابه جنگی (ارابه - Chariot چهار اسبه و چرخهای آنها مجهز به تیغه های یک متری برنده - Schythed) و ۱۵ فیل جنگی در یک جنگ چند ساعته از ارتش ۴۷ هزار نفری اسکندر مقدونی که تنها ۷ هزار سوار داشت شکست خورد و چراغ عمر ابرقدرت وقت جهان (تنها ابرقدرت جهان به مدت دو قرن) خاموش شد. این جنگ که در جلگه شرق موصل امروز و نه چندان به دور از شهر اربیل (آربلا - کردستان عراق امروز) و در کنار دو - سه تل (تپه) به نام تل های گومل روی داده بود سومین جنگ اسکندر با ایران بود که از ۳۳۴ پیش از میلاد با ورود او و نیروهایش به قلمرو ایران و نبرد گرانیکوس (در نزدیکی داردانل ترکیه امروز) آغاز شده بود. نبرد دوم در سال ۳۳۳ پیش از میلاد در ایسوس (ساحل مدیترانه - لوانت) و نبرد سوم، دو سال پس از آن در آربلا، و به نام نبرد گاوگامیلا Gaugamela of Battle در فاصله دو ساله میان نبردهای ایسوس و گاوگامیلا، اسکندر به خارج ساختن ایران از سوریه بزرگتر از جمله بندر صور (لبنان امروز)، فلسطین (دژ غزه)، مصر و تمامی منطقه مدیترانه دست زده بود که بدون ایستادگی محلی نبود. پادگانهای ایرانی در صور و غزه ایستادگی طولانی و مردانه کرده بودند. در پی زهر خورانیده شدن اردشیر سوم - شاه هخامنشی ایران توسط بزرگ وزیر او «باگواش = باگوا» در ۳۳۶ پیش از میلاد و تعیین یک شاهزاده کم تجربه، به تصمیم «باگواش» به جانشینی او که نام داریوش سوم بر وی گذارده شد و ایجاد ناخرسندی در پاره ای از ژنرال ها و ساتراپ ها و تولید بخل و حسد میان برخی دیگر و وقوع مبارزه بر سر قدرت در دو پایتخت وقت (شوش و پرسپولیس) و گسترش فساد دولتی، اسکندر که در انتظار فرصت بود به بهانه آزادساختن یونانی زبانان آناتولیا (غرب ترکیه امروز) و قبرس از سلطه ایران و وارد ساختن این اتهام که عوامل ایران پدر او - فیلیپ دوم را زهر داده و کشته بودند به ایران لشکر کشید. دستگاه اطلاعاتی ارتش ایران به قدری ضعیف بود که متوجه نشده بود نیروهای اسکندر به نيزه های بلند ۴ - ۵ متری مجهز شده اند، تا راه مقابله به دست آید به علاوه، مرسنرهای یونانی ارتش ایران متمایل به اسکندر هستند و وفاداری به ایران ندارند. تعرض اسکندر به ایران، دو سال پس از شاه شدن داریوش سوم آغاز شده بود. به رغم تجربه از نبرد گرانیکوس، داریوش سوم به کار مرسنرهای یونانی در ارتش ایران پایان نداد. اشتباه سیاسی او دادن پیشنهاد سازش و امتیاز فراوان به اسکندر بود که بر عزم او به فتح ایران افزود زیرا که دادن امتیاز نشانه ضعف و بیم است. یک اشتباه نظامی او، انتخاب یک جلگه در اربیل به عنوان میدان نبرد و مقابله نظامیان بود که برای

پیاده سنگین اسلحه یونان مناسب تر بود. در نبرد گاوگامیلا، تیراندازان تپورستان (مازندران) معروف به آیمرد = آمرد (عمدتاً از شهر امل پایتخت وقت مازندران) و نیز ۷ هزار سوار ارمنی به فرماندهی Orontes (پرواند) ساتراپ ارمنستان که در قلب جبهه می جنگیدند تا آخرین نفس ایستادگی کردند و پرواند جان خود را از دست داد. یک جناح ارتش ایران به فرماندهی «بسوش Bessus» ساتراپ باکتريا (شمال شرقی افغانستان امروز، منطقه فرارود از جمله دره فرغانه و سمرقند، بخارا، مرو تا خجند) به مرکزیت باکترا (بلخ) با کشته شدن بسوش روحیه خود را از دست داد و جناح دیگر ارتش به فرماندهی آدرپاتکان (آذربایگان = آتش - نگهبان) و به نوشته مورخان یونانی، آتروپاتکان که نام آذربایجان از اسم اوست با مشاهده فرار داریوش سوم از میدان جنگ، دست به عقب نشینی زد. آدورپاتکان ساتراپ ماد (کردستان و آذربایجان) بود. وی به داریوش سوم پیشنهاد کرد که به همدان (هگمتانه = اکبتانا = اکباتان) برود و نیروهای شکست خورده را تجدید سازمان دهد که پذیرفت ولی چندی پس از اقامت در همدان، تصمیم گرفت به باکترا که در آن دوران ولیعهد نشین ایران بود (همچنانکه پس از ساسانیان و در دوران صفویه نیز شهر هرات ولیعهد نشین بود) و پشت به کوههای هندوکش و پامیر داشت برود که شاهزادگان هخامنشی ضمن راه او را کشتند تا به دست اسکندر نیافتد و تحقیر نشود. آدرپاتکان که چنین دید با اسکندر از در سازش در آمد و ساتراپی خود را حفظ کرد. داریوش سوم برای جنگ با اسکندر یکانهای جنوب ایران (سیستان، کرمان و فارس امروز) را که احساسات ناسیونالیستی نیرومندتری داشتند احضار نکرده بود و دیدیم که یک واحد نظامی جنوب به فرماندهی آریو برزن چگونه ایستادگی تاریخ ساز کرد. پس از پیروزی اسکندر، ایران برای مدتی طولانی زیر سلطه نبود و خراسانیان بپاخاستند و مقدونی ها را به مدیترانه ریختند و ایران دوباره و این بار به مدت ۸ قرن ابرقدرت بود. همین خراسانیان به همان صورت به سلطه عرب نیز پایان دادند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۲۰۷۳۸/ایران-اسکندر-بزرگ-های-پیروزی-آغاز>